

بازتاب قشربندی اجتماعی در عصر غزنویان و سلجوقیان (با تأکید بر اشعار سنایی غزنوی و هنرهای بصری دوران)

چکیده

نابرابری‌های اجتماعی، پدیده‌ای جهانی و از مهم‌ترین مباحث در حوزه دانش جامعه‌شناسی است که بر تمام مناسبات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. همه جوامع بشری دارای سلسله‌مراتب اجتماعی هستند و این نشان می‌دهد که تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد. در قرن ششم در عصر غزنویان و سلجوقیان در شعر فارسی، تحولاتی رخ داد که به تبع این تحولات، مناسبت‌های اجتماعی وارد شعر شاعران شد و شاعران با نگاه نو به انسان و جامعه، ارزش بیشتری به مسائل اجتماعی و انسان قائل شدند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که یکی از مبانی جامعه‌شناختی، بررسی نظام ساختاری طبقاتی جامعه است. با توجه به هنر قرون نخستین اسلامی و اشعار سنایی می‌توان گفت: جامعه عصر وی، جامعه‌ای طبقاتی است که رفتن از طبقه‌ای به طبقه دیگر، تقریباً غیرممکن بود. جامعه به دو گروه حاکم و غیرحاکم تقسیم شده است که گروه حاکم افرادی مانند پادشاه، وزیر، امیر، حاکم، قاضی، علمای دینی و... هستند که به روش‌های گوناگون بر مردم حکومت می‌کردند و در مقابل توده مردم مانند کشاورزان، طبیبان، بازاریان و... قرار داشتند.

اهداف پژوهش:

۱. ارائه یک چارچوب نظری از شاخص‌های نابرابری اجتماعی در عصر غزنویان و سلجوقیان در اشعار سنایی.
۲. بررسی نابرابری اجتماعی در دوره غزنویان و سلجوقیان با توجه به آثار هنری این دوره.

سوالات پژوهش:

۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی در دوره غزنویان و سلجوقیان چه بازتابی در اشعار سنایی یافته است؟
۲. هنر دوره غزنویان و سلجوقیان وضعیت قشربندی اجتماعی این دوره را چگونه منعکس ساخته است؟

کلیدواژه: جامعه‌شناسی ادبیات، قشربندی، غزنویان و سلجوقیان، هنر بصری، سنایی.

مقدمه

ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در هر جامعه‌ای به هم پیوسته است؛ و تغییر در هر یک از این ساختارها می‌تواند دیگر ابعاد نظام اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد و زمینه تغییر را در آن‌ها ایجاد کند. برای فهم تحولات قشربندی اجتماعی باید تحولات سیاسی و اقتصادی ایجادشده را بررسی کرد تا علت و ریشه‌های تحولات قشربندی اجتماعی را بهتر درک کرد. بررسی تحولات سیاسی و اقتصادی با قدرت و تحولات نیروها و اقشار اجتماعی به ما کمک می‌کند که وضعیت جامعه را بهتر درک کنیم. در جامعه‌شناسی، قشربندی اصطلاحی است برای توصیف نابرابری‌های اجتماعی که بر این اساس گروه‌های مختلف مردم را براساس مزایای اجتماعی چون قدرت، ثروت و احترام طبقه‌بندی می‌کند. در همه اجتماعات انسانی پدیده‌هایی چون طبقه، نابرابری اجتماعی، تفکیک اجتماعی و سلسله مراتب گروه‌ها تجمعات انسانی به چشم می‌خورد و نابرابری اجتماعی ناشی از نابرابری طبیعی افراد را بلا اشکال می‌داند. با کمی تأمل در آثار سنایی، می‌توان چهره‌ی یک منتقد اجتماعی از او را در آثارش دید. درک اصلاح‌گرانه و نقادانه‌ی او از آسیب‌های اجتماعی سبب به وجود آمدن نگاه نو در ادبیات گردیده است. «سنایی در عصر خویش همان کاری را کرده است که بهار در عصر ما کرده است؛ یعنی حال هوای تازه‌ای را وارد یک ساختار سنتی کرده است. قصیده‌ی پارسی قبل از سنایی به لحاظ بسیاری از مسائل ساخت و صورت به اوج کمال خود رسیده بود و شاید بتوان گفت هیچ عنصر تازه‌ای به لحاظ ساخت و صورت دیگر وارد آن نمی‌توانست بشود؛ اما وارد کردن یک حال و هوای تازه به درون این نظام، کاری بود که بر دست سنایی با توفیق کامل انجام شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

شعرا از یک طرف مانند دیگر اعضای جامعه پرورش‌یافته جامعه زمان خود هستند، پس آن‌ها بازتاب‌دهنده مسائل اجتماعی و فرهنگی و ... زمان خود هستند و از طرف دیگر، چون ادبیات هر ملتی از درون آن جامعه اقتباس می‌شود پس برای شناخت اجتماعی جامعه مورد مطالعه، بهترین منبع مراجعه به اشعار شاعران همان عصر است. سنایی شاعری است نگران دنیای پیرامون خود و سخت در ستیز با کاستی‌ها و ناروایی‌های اجتماعی و بیداد حکام و فرمانروایان؛ و همین نکته، عامل برتری شعر او نسبت به دیگر سروده‌های دارای مضمون سیاسی و اجتماعی در زبان فارسی شده است. وی از شاعرانی است که با اقشار مختلف جامعه خود سروکار داشته است و در قصاید خود با انتقاد از این قشرها، اوضاع اجتماعی زمان خود را به خوبی به خواننده منتقل می‌کند. دوران حکومت غزنویان به خصوص در زمان محمود غزنوی که مصادف بود با لشکرکشی به سرزمین‌های مختلف، باعث ایجاد روابط خاصی در جامعه شده بود. سخت‌گیری با مردم، سبب بروز رفتارهای پیچیده اجتماعی می‌شد و فاصله‌های طبقاتی را بیشتر می‌کرد. سنایی به علت نزدیکی به دربار این فاصله‌ها را از نزدیک حس کرده و در آثار خود به انعکاس این احوال و اعتراض از اوضاع بد اجتماعی پرداخته است. آثار ادبی همان‌گونه که بر جامعه پیرامونی خود تأثیر می‌گذارد، از فضای حاکم بر جامعه خود نیز تأثیرپذیرند؛ بدین ترتیب می‌توان گفت که این آثار از نگاه جامعه‌شناسی نیز قابل بررسی هستند. یکی از مفاهیمی که در حوزه جامعه‌شناسی کاربرد دارد، نابرابری اجتماعی است. نابرابری‌های اجتماعی از جمله مفاهیم مطروحه در حوزه دانش جامعه‌شناسی است که می‌توان بازتاب پیامدهای آن را در آثار ادبی بررسی کرد. برای تبیین قشربندی جامعه ایران عصر سنایی باید اوضاع و احوال اجتماعی مردم را بررسی کرد که با مطالعه اشعار می‌توان به ساختارها و روابط اجتماعی حاکم بر دوره‌ای که اثر ادبی در آن خلق شده است، دست یافت.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. هدف کلی این مقاله، جست‌وجوی نابرابری‌های اجتماعی در اشعار سنایی و پژوهشی روشمند و مبتنی بر نظریه‌های جامعه‌شناختی در حیطه جامعه‌شناسی ادبیات است. اهداف جزئی این پژوهش بررسی علل و عوامل به‌وجودآورنده نابرابری اجتماعی در اشعار سنایی و بررسی پیامدهای نابرابری‌های اجتماعی در فضای جامعه شاعر نیز به قرار زیر است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است.

نتیجه‌گیری

فضایی را که سنایی از عصر غزنویان و سلجوقیان در اشعار خود توصیف می‌کند فضای آشفته و ناپایداری است که فاصله طبقاتی بسیار شده تنگدستی، به دلیل گرفتن مالیات‌های بیش از حد بر مردم فشار آورده است. با توجه به این که یکی از مهم‌ترین مبانی جامعه‌شناختی، بررسی نظام ساختاری طبقاتی یک جامعه است. با توجه به قصاید سنایی می‌توان نتیجه گرفت جامعه عصر وی، جامعه‌ای فئودالی است که در آن، نظام طبقاتی به شدت اعمال می‌شد. در عصر غزنویان و سلجوقیان، جامعه به دو گروه حاکم و غیرحاکم تقسیم می‌شد که در بخش گروه حاکم افرادی مانند پادشاه، وزیر، امیر، حاکم، قاضی، علمای دینی و... قرار داشتند که به‌طور مختلف و به روش‌های گوناگون بر مردم حکومت می‌کردند و بر آنان تسلط داشتند و در گروه غیر حاکم نیز اغلب توده عامه مردم مانند کشاورزان، طبیبان، بازاریان و... قرار داشتند که در بیشتر اوقات، حتی حق دخالت در امور شخصی خویش را نیز نداشتند و حق اختیار و انتخاب از آنان سلب شده بود. در چنین اوضاع نابسامانی ارزش‌های اخلاقی دگرگون شده است. از دین استفاده ابزاری می‌شود، فقر و جهل بر چنین جامعه‌ای حاکم است. حکیم سنایی در اعتراض به این اوضاع آشفته جامعه به انتقاد از تمام اقشار جامعه پرداخته است. این تضاد طبقاتی نشان‌دهنده بی‌عدالتی در جامعه است. برخی افراد غرق در راه و آسایش و در پی تجمل‌گرایی هستند. دلیل این قشربندی را می‌توان بر مبنای نوع شغل، میزان ثروت، میزان درآمد، شیوه‌ی زندگی، میزان نزدیکی به دربار، اصل و نسب‌دار بودن، بی‌عدالتی موجود در جامعه و عدم شایسته‌سالاری و... قرار داد، با عنایت بر این که مشاغل در قشربندی اجتماعی و اوضاع اقتصادی جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند لذا شناخت آن‌ها می‌تواند کمک بزرگی به شناخت یک جامعه کند. سنایی معاصر با سه سلطان غزنوی و سلجوقی بوده است. در قصایدی که تنها به مدح پادشاهان اختصاص یافته است، پادشاهان را به نیک سیرتی، حسن سیاست، دادگستری رحم بر زیردستان ستوده است، اما در هنگامی که به انتقاد از تمام اقشار جامعه می‌پردازد صفات ناپسند تمامی اقشار از جمله پادشاهان و وزیران، را بیان می‌کند و آن‌ها را ارشاد می‌نماید. حکیم سنایی بیشترین انتقادهای را به صوفیه و شاعران دارد. وی به‌عنوان پیونددهنده شعر و عرفان از زوایای گوناگون به عرفان و تصوف نگریسته و جنبه‌های مثبت و منفی آن را در نظر داشته است. وی نکات منفی زیادی از قبیل ریا، تکبر و غرور، جاه‌طلبی، شکم‌بارگی، شاهد بازی و... در برخی از صوفیان می‌دید و به‌عنوان عضوی از این مکتب نمی‌توانست در برابر آن‌ها ساکت و بی‌اعتنا باشد. در هنرهای بصری این دوران نیز می‌توان نمود واضحی از تفاوت طبقاتی را مشاهده کرد و از انتخاب مضمون تا ارائه آثار قابل مشاهده است.

منابع

- آبرکرامبی، هیل. تر. ب. س. (۱۳۶۸). فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه: حسن پویان، تهران: آگاه.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام. تهران: نشر علم.
- ادیبی، حسین. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۲). تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- باسورث، کلیفورد داموند. (۱۳۶۲). تاریخ غزنویان. ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بیتس، دانیل؛ پالک، فرد. (۱۳۸۷). انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه: محسن ثالثی، تهران: انتشارات علمی.
- پناهی، مهین. (۱۳۸۷). اخلاق عارفان. تهران: روزنه.
- تامین، ملوین. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمه: عبدالحسین نیک گوهر، تهران: توتیا.
- خداپنده‌لو، سعید. (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۴۰). تاریخ اجتماعی ایران. جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ربانی، رسول؛ انصاری، ابراهیم. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت).
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). نقد ادبی. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماع، ج ۲، تهران: انتشارات کیهان.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۶۲). دیوان اشعار. تصحیح: محمد تقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۶۸). حدیقه‌الحدیقه. تصحیح: محمد تقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). تازیانه‌های سلوک. تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی. تهران: نشر اختران.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران: علمی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۲، چاپ هفتم، تهران: انتشارات فردوس.

- کاسب، عزیز الله. (۱۳۶۸). منحنی قدرت در ایران. تهران: نشر مولف.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۷). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثالثی، تهران: نشر توتیا.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۸). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه: غلام عباس توسلی، رضا فاضل، تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونا. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ دوم تهران: نشر نی.
- لیپست، سیمور و دیگران. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی، ترجمه: جواد افشار کهن، مشهد: نیکا.
- محبتی، مهدی. (۱۳۸۸). از معنا تا صورت. جلد ۱، تهران: سخن.
- ملک، حسن. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- موریش، ایور. (۱۳۷۳). درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت. ترجمه: غالم علی سرمد، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- موسوی‌لر، اشرف‌السادات؛ نماز علیزاده، سهیلا. (۱۳۹۱). «چهره‌نگاری سلجوقی؛ تداوم فرهنگ بصری مانوی». مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۳، صص ۱۰۵-۸۵.